

در اروپا «افکار عمومی اعتقادی به جنگ افغانستان ندارد»

نویسنده

Philippe Leymarie

روزنامه نگار رادیو بین المللی فرانسه

از بیست و پنج کشور عضو اتحادیه اروپا که برای درگیری در افغانستان به ائتلاف نیروهای سازمان پیمان ائتلاف شمالی (ناتو) پیوسته بودند، اکثریت آنها اینک به دشواری با [ادامه] مداخله در آن کشور کنار می آیند و از ابهام و سردرگمی در باره اهداف جنگ، افزایش شمار قربانیان غیرنظامی و نظامی، حضور همه جا گیر امریکا، خصومت افکار عمومی و تنگناهای بودجه‌ی ناخشنودند. آقای پینو آراچی (Pino Arlacchi)، معاون پیشین دبیرکل سازمان ملل متحد، مسؤول مبارزه با مواد مخدر که پارلمان اروپا گزارش او را در باره درگیری در افغانستان به بحث گذاشت، تصدیق می کند که «نه سال جنگ و درگیری بین المللی نه توانسته است شورش طالبان را فرو نشاند، و نه صلح و ثبات را در این کشور سامان دهد.» این نماینده با بیان تأسف خود از این که اروپا «فقط به همین خشنود است که از هر چه ایالات متحده تصمیم می گیرد، پیروی کند»، با داوری در باره این جنگ می گوید «در همان حال که اوضاع امنیتی رو به وخامت می گذاشت اجماع مردمی که در گذشته در مورد حضور نیروهای ائتلاف وجود داشت رنگ می باخت».

اروپا به مثابه یک اتحادیه، فقط اندکی خود را در افغانستان متعهد ساخته است: سهم اتحادیه در آموزش پلیس افغان (۴۵ میلیون یورو در سال ۲۰۱۰) (به اندازهٔ ... دو صدم بودجه‌ی است که مجموعه ائتلاف، و در صدر آن ایالات متحده، به آن اختصاص داده است. در سنجش با (۵۲) میلیارد دالر کمک ایالات متحده که به ویژه به تجهیزات و آموزش ارتش افغانستان تخصیص یافته، کمک اتحادیه و کشورهای عضو آن به ثبات و بازسازی آن کشور روی هم به (۸ میلیارد) یورو در سالهای (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰) بالغ گشته است. تعداد نفرات ارتش کشورهای اروپایی، یک چهارم سپاهیان است که به آنجا گسیل گشته اند و تازه [این کشورها] محدودیتهای بسیاری نیز درباره نحوه به کارگیری نیروهای خود گذاشته اند.

برخی ملتها مانند هلند، در سال (۲۰۱۰) از ائتلاف پا پس کشیدند. برخی دیگر خود را برای ترک آن آماده می سازند. آقای ستانیسلاس وزیاتک (Stanislas Wziatek)، رئیس کمیسیون دفاع ملی در مجلس قانونگذاری (Diète) این کشور به ما می گفت که: «لهستان می خواهد سپاهیان را از افغانستان فرا خواند»، هرچند از سوی دیگر کشورش به تازه گی فوج سپاهیان را برای پاسخ به درخواستهای امریکا افزایش داده است. وی بر آن بود که «تسخیر قلوب مردم افغانستان» می بایستی شیوه کار باشد، اما نظر سنجیها نشان می دهند که خلاف آن روی داده است. وی به اطمینان می گوید که این مأموریت «که هر چه زودتر باید پایان پذیرد»، از توان نیروهای ارتش لهستان که امکاناتش رو به کاهش دارد، خارج است.

آقای دیموس ورتوس (Dimos Vrettos)، رئیس کمیته امور خارجی و دفاع پارلمان یونان با ما در میان گذاشت که «افکار عمومی باور ندارد که این جنگ بهترین وسیله‌ی برای خشکاندن ریشه تروریسم باشد. بهتر آنکه این پول به زخم مبارزه علیه مواد مخدر زده شود». او در تقویم بیرون بردن نیروها که «باراک اوباما» رئیس جمهور امریکا معین کرده است، «پیام بدی هم از نظر نظامی و هم از نظر سیاسی» می بیند. سربازان اعزامی یونانی به کار لجیستیک می پردازند و در تماس مستقیم با رزمندگان نیستند: «ما عضو ناتو هستیم، ناچاریم که در آنجا باشیم. باید کاری کرد، اما تا جای ممکن کمتر درگیر نبرد شد. و با مخالفان به مذاکره پرداخت: آنها وقت دارند و زمان که ما فاقد آنیم ...».

در بریتانیا، آقای لایام فوکس (Liam Fox) وزیر دفاع (از حزب محافظه کار)، در ماه ژوئیه (۲۰۱۰) در سرآغاز بازدید از سپاهیان کشورش با اعلام این که «آنچه مهم است، امنیت در خیابانهای بریتانیاست» هیچجانی را برانگیخت. «دغدغه ما این نیست که زنان جوان افغانی به مدرسه بروند (...). ما در آنجا هستیم تا مردم بریتانیا و منافع جهانی مان دستخوش تهدید نباشند (...). اما ما پلیسی جهانی نیستیم» آقای «ویلیام

هیگ» (William Hague) رئیس دیپلوماسی بریتانیا (محافظه کار) هنگام نشست سران سازمان پیمان اتلانتیک شمالی در لیسبون در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۰) تکرار کرده بود که کشورش به مأموریت‌های درگیری در نبردها تا سال (۲۰۱۵) پایان خواهد داد. او گفته بود که «این تعهدی مطلق و بی برو برگرد است».

در فرانسه (۷۰٪) افکار عمومی «بیشتر» یا «کاملاً» با حضور سربازان فرانسوی در افغانستان مخالف است. از سی سال پیش تاکنون این نخستین باری است که اکثریتی بارز با عملیات مهمی در خارج از کشور که دولت به راه انداخته، به مخالفت برخاسته اند. فرماندهان نظامی که از افغانستان باز می‌گردند از پیشرفت‌هایی در محل خبر می‌دهند و می‌خواهند که به ارتش و پلیس افغان زمان داده شود تا برای خود زمینه مناسبی برای پرورش کادرها فراهم آورند و به خود متکی شوند. اما نه بحثی در کار است و نه آئین و طریق و نظریه‌ی. درست است که «نیکلا سارکوزی» از تاکید بر این نکته باز نمی‌ایستد که سربازان فرانسوی «تا زمانی که لازم باشد» در افغانستان خواهند ماند، اما فرانسه آخرین کشوری بود که در ماه فوریه (۲۰۱۰) به تقاضای امریکا برای اعزام نیروهای تقویتی پاسخ داد و سرانجام نیز (به جای یک هزار و پانصد رزمنده بی که واشنگتن می‌خواست)، بیش از دویست مربی اضافی، نفرستاد.

آقای «ویکتور اوزروف» (Viktor Ozerov)، رئیس کمیته دفاع و امنیت شورای فدراسیون روسیه اطمینان می‌دهد که «در روسیه دشواریهای امریکاییها و همپیمانانش در افغانستان مایه خشنودی ما نیست»: شکست ناتو دامنگیر جمهوریهای آسیای مرکزی، همپیمانان طبیعی روسیه خواهد شد. اما ابداً صحبت از آن نیست که روسیه کوچکترین گروه رزمنده بی را به افغانستان اعزام دارد: «ما هم اینک هم سهم خود را ادا کرده ایم... و طعم آنرا هم چشیده ایم!» این نماینده مجلس از اعطای حق عبور در دو جهت برای نیروهای ائتلاف در چهارجوب تدارکات و نیازمندیها آنها از جمله - اعطای معافیت از قانون - برای تجهیزات نظامی، راضی است. دغدغه خاطر وی انفجار تولید و قاچاق مواد مخدر، احتمالاً آمیخته با تروریسم است که هم اینک هم به پشت دروازه های روسیه رسیده.

[برگرفته از لوموند دیپلماتیک](#)